

از کتاب زن در عصر جدید

ترجمه ر - نامور

خانواده چیست و حدود آن کجا است

(زن در خانه)

زنی از یکی از نمایندگان مجلس مقننه نیویورک تقاضا نمود که از رای دادن به لایحه مخصوصی خود داری نماید زیرا معتقد بود که تصویب لایحه مزبور تأثیرات نا مطلوبی در اوضاع تمام خانواده ها و همه اطفال امریکا خواهد داشت . نماینده مزبور با سردی و ترشروئی بوی چنین جواب داد .

خانم : شما مگر نمیدانید که زن خوب باید در خانه بنشیند و از اطفال خود مواظبت و پرستاری کند .

« جای زن در خانه است » اینجمله در امریکا بزبان هر کس جاریست .

در مقابل کلیه درخواستها و تقاضاهائی که برای بهبودی بانوان دنیا شده این جواب متحدالشکل مکرر از زبان اشخاص مختلف بگوش رسیده است این فکر و نظر در طی قرنهای متمادی در کیفیت حیات عمومی و خانوادگی منعکس بوده و هنوز هم در امریکا و در زبان آسانی است که طرفدار اصول تربیت فرسوده قدیم و مخالف با هر نوع تغییر و نهضتی در حیات اجتماعی میباشند . با همه قدمهای بلندی که از طرف زن در راه ترقی و تکامل برداشته شده و با آنکه در هر قدم با موانع بسیاری سر و کار داشته و مجبور بوده است با اهتمام و فداکاری و متانت این موانع را از پیش بردارد باز همیشه در پیرامون وی این فریاد بلند بوده است « جای زن در درون خانه است » .

بسیار خوب ولی از اشخاصی که این جمله را طوطی وار بر رخ دنیا

میکشند باید سؤال نمود که خانه این عصر و خاندان با مفهومی که در قرن بیستم وجود دارد کجاست. اساساً خانه چیست و منظور آن چه میباشد. حدود آن تا کجا میرسد از کجا شروع میشود و در کجا پایان می‌رسد.

زنی که بفلان نماینده متوسل شده و برای جلوگیری از وی استعانت میجوید معتقد است هر جا اطفال بروند همانجا خانه و خانواده وی محسوب است باید با اطفال خود بانجا برود و نه تنها قلب خود و احساسات و عواطف خویش را با خود بانجا ببرد بلکه از آنها نهایت توجه را بعمل آورد و حافظ و نگهبان آنها باشد.

معتقدات کلیه عواملی که با مصالح و منافع اطفال وی تماسی دارد طبیعتاً با مصالح و منافع خود او در تماس است. معتقد است که خانه عبارت است از قریه که در آنجا بسر میبرد شهری که در محیط آن زندگی میکند و کشوری که در آغوش آن می آرامد و می آساید. اینست عقیده زن در قرن بیستم راجع بخانه.

حق با زن است. خانه و خانواده زن دیگر محدود بچهار دیوار حیاتی که در آن زیست میکند نمیشود. حدود و تقویریکه این حیاط و منزل را تعیین میکنند حد نهائی ارتباط زن با دنیای خارج نتواند بود. منافع و علایق خانوادگی در جایی پایان می‌رسند که اطفال و بستگان خانواده در آنجا هستند این علاقه و بستگیها محدود بچهار دیوار منزل نمیشود. هر روز صبح هنگامیکه سیل با عظمت حیات بچریان میافتد اعضاء و افراد خانواده برای انجام وظائف باطراف و اکناف متفرق میشوند و چرخ امور اجتماعی را با مجاهدت و فعالیت خود بحرکت می آورند.

خانه و منزل در قرن بیستم شامل دنیای خارج از چهار دیوار خانه

است. کارخانجات معظم که جوانان و کارگران در آنجا بکار و کوشش مشغولند. امور مربوطه به اعزازها و دکا کین. ادارات دولتی و مؤسسات ملی و عمومی. معادن و طرق و صدها امثال آنها بدست جوانانی انجام مییابد که مادرهای خود را چشم برآه خود در خانه گذاشته و خود با عزم و نشاطی مردانه گوشه از امور اجتماعی را گرفته و با سعی و عمل چرخ بزرگ زندگی را به حرکت می آورند. بهمین جهت باید قبول کنیم که خانه این نقاط وسعت یافته و شامل همه آنها می گردد.

هنگامیکه بمطالعه تاریخ نشو و ارتقاء ملل میپردازیم. از ترقیبات و پیشرفتهای بلندی که تمدن و فرهنگ از هر عصر و زمان در راه ترقی حاصل کرده بحث و حیرت ما را فرا میگیرد. ولی غافلیم که در همین عصر و زمان خود ما دنیا چه مراحل عجیبی را مییماید. چگونگی با سرعت بطرف تکامل می رود و چه نهضتهای مهمی در هر روز بوقوع میبوندند. آری ما در بحبوحه این تغییرات و تحولات قرار گرفته ایم. با سبیل ترقی پیش میرویم و هیچ نمیدانیم در اطراف ما چه میگذرد و این سبیل با عظمت چه مراحل را مییماید دنیا با سرعت برق و باد روی بسوی ترقی و تکامل می رود و خانه و خانواده را با خود میبرد.

بالتبجیه خانه نیز مانند تمام مظاهر حیات عمومی با قدم های محکم و متین متدرجاً مورد تحول قرار گرفته و بسوی کمال می رود.

کلمه خانه و خانواده دیگر متضمن مفهوم کوچک و محدود یکصدسال قبل نیست - تصور اینکه در همین پنجاه ساله اخیر خانه و خانواده در دنیا چه مراحل پیموده و چقدر از طریق کمال را طی کرده است در وهم ما نمیگنجد. خانه همان فضای پنجاه سال قبل نیست. زندگی در عصر و زمان

ما بسی پیچیده تر از سابق شده و مظاهر مختلفه آن بیش از پیش با هم ارتباط یافته اند، این تغییرات و ترقیات حتی شامل تفریحات خانوادگی نیز شده و بر وسعت آن افزوده است.

در اعصار قدیمه خانه بمنزله محور کلیه امور بود و کلیه مایحتاج خانوادگی در داخله خانه تهیه میشد. آن دارالصنایع امروز وسعت زیادتر پیدا کرده است و مبدل به شهر و مملکت گردیده، در آن ایام نه از کارخانجات معظم خبری بود و نه از محصولات مهم اثری،

محصولات صنعتی که امروز در سراسر نقاط دنیا پراکنده است و هر کس در هر نقطه جهان از آن استفاده مینماید در آنروزگار وجود نداشت. دنیای ما و جهان نسل معاصر، بکلی تغییر کرده است. اختراعات و اکتشافاتی که محصول علوم عصر جدید میباشد، تغییر فاحش اوضاع اقتصادی جهان، تقسیم امور زندگانی در رشته های مختلفه و اختصاصی، ترقی و تعالی مدنیت و فرهنگ جهان کنونی، لزوم ترقی و توسعه فکری و روحی که عامل تحولات زمانه است، ایشها و بسیاری عوامل دیگر سر رشته بسیاری از صنایع بدی را از دست خانواده ها گرفته و بدست توده و اجتماع داده است.

این صنایع امروز در مغازها و کارخانجات بدست اهل فن و متخصصین تهیه میشود. برای تهیه و انتظام آنها شرکت های بزرگ لازم است. تمام مصنوعات که در ازمینه قدیم با خون دل و رنج فراوان و مخارج گراف در درون خانواده ها تهیه میشد امروزه با وقت کمتر و مخارج ناچیزتر در کارخانجات آماده میشود. ملیونها خانواده از این تغییرات و تحولات استفاده میکنند، کمتر خانواده در صدد است که مایحتاج خود را شخصاً فراهم سازد. خورد نان پزد، خود بنائی کند، خود با مننجاری پردازد، و خویشتن را از وجود

ناآوا، نچار و بنا مستغنی سازد .

چه چیز شرکت زن را در اجتماع ایجاد نمود .

سیر تمدن در اواخر قرن گذشته اوضاع مالی را تغییر داد و میدان فعالیت در خانه و منزل را از دست زن گرفت بدون اینکه بجای آن میدان دیگری بزن بدهد . زن موردی برای استعمال و ورزش قوای دماغی و فکری و نیروی جسمی خود بدست نیاورد . آیا اگر در نتیجه بطرف انحطاط رفت و راه ضعف بيمود تقصیری متوجه او بود ؟

زن که در تحت تأثیرات این تغییر و تحول دست و پای خود را گم کرده بود تا مدتی بکلی از خود بیخبر ماند . ولی بعد رفته رفته از یکطرف اقتضای قهری و حتمی طبیعت و از جانب دیگر تغییر اوضاع اقتصادی ایجاب نمود که زن قسمتی از قوا و استعداد های خود را برای تهیه مایحتاج زندگانی مورد استعمال قرار دهد و بالتبقیه این قسمت از استعداد های وی روی رشد و تکامل نهاد چقدر دوشیزگان لایق و مستعد که با تربیتی متناسب میتوانستند برای شوهران خود همسرانی بی نظیر و برای وطن و کشور خویش زنانی دانشمند و کارداران باشند ولی وضعیت زندگانی و عادات و آداب فرسوده دایره فعالیت آنها را محدود نموده جز در بعضی صنایع یدی ناچیز نتوانستند پیشرفتی حاصل کنند و بالتبقیه قوا و استعداد های آنها عاطل ماند نه خود از آنها طرفی بستند و نه توانستند در پرتو آنها قدمی در راه خدمت بوطن و ملت بردارند . چقدر عمر عزیز این وجود های عزیز و شریف در فعالیت های ناچیز و بی مصرف تلف شد و در بهترین دوران زندگانی خود مجبور بودند دست روی دست گذارده منتظر جوانی شوند که دست بسوی آنها دراز کرده و آنها را دعوت بهمسری باخود نماید .

با این وضع و با اینهمه قیود و تحدیدات اگر زن در اعصار قدیمه نتوانست قوای روحی و معنوی خود را رشد و نمو دهد و بسوی کمال برود چه گناهی متوجه او است و برای چه این موضوع باید مورث اعجاب و شگفتی باشد برعکس وقتی که می بینیم زن با وجود قیدی آهنین که از تحدیدات مدنی و اجتماعی بگردن داشته باز موفق بحفظ خصایص و ترتیب سبوت خود گردیده باید او را تحسین کنیم و در خور تمجید شماریم .

ولی پس از طی دوره بحران اینک زن بخود آمده مقام خود را در اجتماع دریافته و به اهمیت وظیفه و مسئولیت خود رفته رفته پی میبرد .

اگر پرده خود بینی و نخوت از جلو چشمها برداشته شود میتوانیم بحقایق امور واقف گردیم میتوانیم بخوبی تشخیص دهیم که این ترقی و تکامل که نصیب زن و خانواده گردیده نه تنها مفید بحال زن است بلکه باعث خیر و برکت نواد بشری میباشد .

سپس قوای فعاله زن در مجرای وسیع تر و بزرگتری در خارج از چهار دیوار منزل و خانه بحریان افتاده ولی این نهضت و تکامل برای این نیست که زن دست بروی دست گذارده و از فعالیت مثبت . سعی و عمل و بذل جدیت برای بهبودی حال خود و اطرافیان خود اعراض کند . برعکس این نهضت و تحول ایجاب مینماید که این جنس قوای روحی و دماغی خود را با فراغت خاطر و آسایش روح و فکر برای انجام مقاصد بزرگتر و عالی تری بکاربرد . این نهضت و بیداری برای این است که میدان وسیعتری برای سعی و عمل فداکاری و ایثار نفس زن بدهد .

نیاید تصور کرد که زن بنام تحول و نهضت باید از خانه و خانواده دوری بجوید . بلکه باید دنباله خانواده را که تا مغازه ها . کارخانه ها . محافل

ادبی و صنعتی مدارس مؤسسات صحی و بادی . بیش میرود گرفته و تمام آنها را میدان فعالیت خود بدانند و آنها را مکمل وظائف خود در چهار دیوار خانه قرار دهد .

در امریکا بیش از هفت میلیون دوشیزه در کارخانجات و دارالصنایع عظیمه سعی و فعالیت برداشته و دنباله هنرهائی را که نیاکان آنها در دایره محدودی در درون خانواده مورد توجه خود قرار داده بودند گرفته و بیش از پیش از خود هنر و شایستگی نشان میدهند .

آری خانه و خانواده بر وسعت خود افزوده و تا درون کارخانجات و دارالصنایع وغیره پیشرفته و زن نیز بدنبال آن روان گردیده است . این نهضت باعث شده که زن کار و وظیفه بدوی خود را بحد تخصص و کمال برساند . نباید فراموش کنیم که زن سابقاً در درون خانه نیز بهمین امور متتها در دایره ناقص تر و محدود تری اشتغال میورزید . نباید از نظر دور بداریم که در عصر و زمان ما اکتشافات و ترقیات شگفت انگیز علمی و وسائلی برای سرعت انجام کار بدست داده و با این وسائل میتوان آنچه را که سابقاً با صرف وقت و مصارف گزاف در خانه تهیه میشد بمقادیر زیاد در خارج تهیه نمود و زن نیز در اشتغال باین امور جز اینکه دنباله حرف و مشاغل سابق و قدیم خود را گرفته کار دیگری نکرده و عبارت دیگر دایره فعالیت وی وسیع تر شده است .

در زمان قدیم که هر خانواده مجبور بود تمام احتیاجات خویش را در درون چهار دیوار خانه تهیه نماید هر يك از اعضاء خانواده ناچار میبایست عهده دار امور و مشاغل مختلف و متنوعی گردد و چندین فن و صنعت را البته بطور ناقص بدانند .

ولی اصول اقتصادی عصر حاضر اجازه نمیدهد که یک فرد واحد چندین سرانه مختلف پرداخته و قریحه و توانائی خود را بیجهت برای فرا گرفتن مشاغل زیادی تلف نماید .

تقسیم امور زندگانی به شعب مختلفه و ایجاد تخصص در هر يك از این شعب از مختصات اصول اقتصادی عصر نو میباشد . علوم و اکتشافات جدیده زن را نیز مانند مرد از تحمل زحمات و خدمات و سعی و جدیت زیاده از حد برای انجام امور عادی زندگانی خلاص بخشید . اندکی راحتی و فراغت بزن اعطا نموده و زن توانسته است ساعات و دقائق خود را برای بهبودی امور خانوادگی بمصرف برساند .

ترقی و تکاملی که نصیب خانواده شده ایجاب مینماید که زن پیوسته خواستار وسعت دایره فعالیت خود باشد . طبیعت مدار آفرینش زن را بر روی اساسی ترار داده که هدف منظور و نقطه آمال او خانه و خانواده است .

ولی در این عصر تحول و نهضت در این قرن بیستم و با این شرایط و اوضاع جدید چه کسی میتواند بگوید حدود خانواده از کجا شروع میشود و در کجا پایان میرسد .

شروط نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کدام عامل مخفی و سائق درونی است که زن هارا از هر صنف و طبقه حتی از خانوادههای ثروتمند و متمول امر داده که قدم در دایره فعالیت اجتماعی گذارده و در اموری که مربوط به مصالح عمومی و ملی است شرکت جویند . آیا این شعور مخفی و سائق فطری جنس زن نیست که زن را وارد بمجاهده و فعالیت و حتی فداکاری برای بهبودی و پیشرفت اموری نموده است که با مصالح خانوادگی مربوط میباشد .

مگر نه این است که قوام ملیت ما بسته به پیشرفت خانواده ها میباشد

و خانواده بمنزله بنیانی است که کاخ اجتماع بر روی آن مستحکم و استوار مییابد. آیا شوهرها، زنها پسرها و دخترهایی که داخل محیط حیات شهری و ملی میگردند غیر از اعضاء خانواده های ممالک هستند این نهضت و تحول تنها برای این است که زن دنباله وظائف خانوادگی را که تا قلب اجتماع امتداد یافته در پیش گیرد و بهیودی و پیشرفت آنرا وجهه همت خود قرار دهد.

يك ضرب المثل عمومی میگوید. زن متوجه هر نقطه گردد در آنجا خانه و خانواده بوجود میآید. بعبارت دیگر بگوئیم خانه و خانواده آنجاست که قلب زن در آنجا باشد. اگر این حرف که تمام افراد بشری برصحت آن تصدیق دارند صحیح است پس باید قبول کنیم که خانه و خانواده میلیونها زن آن اروپائی در خط مقدم جنگ است، قاب میلیونها مادر متوجه نقطه ایست که فرزند محبوب و عزیز وی مجروح میشود. عذاب و شکنجه مبینند و متحمل درد و الم میگردد. در خنک و خون غلظیده و با عقریت مرگ دست بگریبان است، (این کتاب در بچوجه جنگ بین المللی نوشته شده و اشاره نویسنده بمیدان جنگ اروپا در آن زمان است)

توماس یین شاعر معروف میگوید (دنیا وطن و کشور من است) آیا زن نیز متقابلا نمیتواند بگوید « دنیا خانه و خانواده من است » کدام نقطه دنیا را توان یافت که قلب زن بجهتی از جهات بدنیا یکی از عزیزانش متوجه آن نباشد و بساط محبت و همدردی وی در آن نقطه گسترده نشود.

آیا باز هم بزن میتوان گفت « جای تو در چهار دیوار خانه است » خانواده ای که حدود آن قدر حدود اجتماع وسعت دارد.